دکتر سید وحید عقیلی در گفت و گو با «وطن امروز»:

مشکلات فرهنگی محصول سیاست توسعه‌برون‌زای دولت کارگزاران است

امیرعلی جهاندار: کمی زودتر از موعد مقرر رسیدیم و استاد پای تخته داشت برای شاگردانش درباره افکار عمومی در دوره‌های مختلف تاریخی صحبت می‌کرد. وقتی کلاس تمام شد دعوت‌مان کرد در همان کلاس به مصاحبه بنشینیم. در یک فضای صمیمی و خودمانی، مصاحبه درباره تغییرات اجتماعی جامعه ایران شروع شد. دکتر عقیلی از جمله اساتید برجسته در حوزه ارتباطات و افکار عمومی در دانشگاه تهران است. وی معتقد است حرکت به سمت مدرنیسم باعث شده بسیاری از سنت‌های میمون و فاخر ما به فراموشی سپرده شود. علت را جست‌وجو کردیم و ایشان بعد از اندکی تامل با قاطعیت گفت: «همه چیز از سال‌های پس از جنگ شروع شد؛ ما در انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی ارزش‌های متعالی را بازتولید کرده بودیم اما دولت بعد از جنگ با نگاه تک‌بعدی اقتصادی، سیاست توسعه برون‌زا و عدم توجه به تهاجم فرهنگی، ما را به این بلا مبتلا کرد». ایشان قسمتی از پازل از بین برنده فرهنگ کشور را در بین برخی از همین اساتید دانشگاهی روشنفکرنما می‌دانست که زبان و هویت ملی ما را تحقیر می‌کنند. عقیلی از عملکرد دولت یازدهم ابراز نگرانی می‌کند و عدم دقت در افکارسنجی و استفاده از گزاره‌های نامناسب از سوی دولتمردان را تهدیدی می‌داند که می‌تواند فاصله بین دولت و مردم را تشدید کند. دکتر عقیلی توسعه اقتصادی را بدون توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی محکوم به شکست می‌داند.

***

■ موضوع مورد بحث ما درباره تغییرات اجتماعی ایران بویژه بعد از انقلاب تا امروز است. به نظر شما امروز چقدر با جامعه سنتی گذشته فاصله گرفته‌ایم و ظهور پدیده‌های رسانه‌ای جدید مثل شبکه‌های اجتماعی در فضای جامعه ایران چه تبعاتی برای جامعه دارد؟

در بحث تحولات اجتماعی ما دو دیدگاه داریم؛ یک دیدگاه تحولات اجتماعی در دهه‌های گذشته را ناشی از تحولات تکنولوژیک می‌داند یعنی به چه صورت فناوری‌ها اجتماع و شاخصه‌های اجتماع و محتویات اجتماع را دگرگون می‌سازد. نظر دیگر هم این است که به چه صورت خود تحولات اجتماعی مثل فروپاشی‌ها، انقلاب‌ها و نهضت‌های مردمی بر جوامع تاثیرگذار است. در این بحث این دو رویکرد وجود دارد که ما در یک نگاه واقع‌بینانه هر دو را تاثیرگذار بر جوامع می‌بینیم؛ در جوامعی تکنولوژی تحولات اجتماعی را به وجود آورده و در جامعه‌ای تحولات اجتماعی، تغییرات اجتماعی را به‌وجود آورده است اما این قضیه از یک جامعه به جامعه دیگر بسیار متفاوت است. ببینید! تحولاتی که در اروپا و آمریکا به‌وجود آمد اول یکسری تحولات اجتماعی بود. هم انقلاب صنعتی، هم انقلاب آمریکا که ضداستعمار انگلستان بود و هم انقلاب فرانسه که انقلاب آزادیخواهانه بود؛ اینها یکسری تحولات اجتماعی به‌وجود آوردند که همه در موردش می‌دانند اما در دهه‌های گذشته، همه تحولات تکنولوژیک بر جوامع تاثیر گذاشته است به نحوی که همه شئونات جامعه را تحت تاثیر قرار داده یعنی از نحوه مصرف، تولید، نوع پوشش، نوع خانواده و حتی نوع بافت شهری و حتی نوع ارتباط، بنابراین در این نوع جامعه تکنولوژی‌هایی که تولید انبوه را به وجود آورده‌اند، توانسته‌اند در همه‌چیز مردم تاثیر بگذارند و دخالت کنند، حتی در مصرف مردم و جهت‌شان مصرف انبوه است اما در جامعه ما بعد انقلاب اسلامی چند سالی تاثیرات انقلاب اسلامی را زیاد دیدیم و می‌توان گفت آثارش هنوز هست. بحث‌هایی در حوزه استقلال و بحث‌هایی در حوزه باورهای فرهنگی و ارزش‌های ناشی از انقلاب اسلامی هنوز هست اما واقعیت این است که در کشور ما هم تکنولوژی‌ها در دهه‌های گذشته منشأ اساسی تحولات است. این به معنای این نیست که تحولات انقلاب اسلامی و آثارش نیست بلکه هست ولی در کمال تاسف باید بگوییم که کمرنگ شده است؛ چرا؟ به دلیل اینکه ذات تکنولوژی‌ها در همه شئونات زندگی ما تاثیرگذار بوده و جالب این است که بحث صنعتی شدن و شهرنشین شدن که خودش ثمره تکنولوژی‌هاست هم روی این مسائل تاثیر گذاشته است و شکل خانواده، نهاد خانواده و گروه‌های اجتماعی را تغییر داده و از یکدیگر منفصل کرده است. بحث تولید انبوه جای کارخانه‌های کوچک را دارد می‌گیرد البته هنوز هم این مقاومت وجود دارد. مثلا شما فرض کنید طبق آماری که ما داریم استانی مثل یزد که در پارچه‌بافی، صنعت و کشاورزی فعال است و بافت سنتی دارد اخیرا به طرز عجیبی به نیروی کار نیاز دارد. در آنجا های‌تک وجود ندارد. خیلی عجیب است! تولید، دانش‌بنیان نیست. پس ببینید! در خود ایران در استان‌های مختلف این وضعیت وجود دارد. از عناصر بسیار مهمی که ما در جبر تکنولوژیک یا تقدیرگرایی تکنولوژیک یا حتی تقدیرگرایی رسانه‌ای داریم بحث «دو فضایی شدن» است. ما یک فضای کالبدی در شهرهایمان داریم و در کنار این فضا، فضای مجازی هست. همین بحث یارانه‌ها؛ همه باید در فضای مجازی ثبت‌نام کنند حتی آنهایی که در روستا هستند. ما در فضای اقتصادی شاهد این هستیم که نقل و انتقالات پول در چند سال گذشته به حداقل رسیده است. ما همه حقوق‌هایمان را از عابربانک می‌گیریم و حجم اسکناس در گردش در چند سال گذشته کم شده است و خیلی تحولات عجیب که یکی از آنها که قابل اهمیت است بحث فرهنگ است. تکنولوژی در بحث فرهنگ جامعه ما را بسیار متحول کرده و متاسفانه در بعضی حوزه‌ها تفاوت فرهنگی که تکنولوژی برای ما آورده به فرهنگ بومی و محلی ما خیلی آسیب زده است. بنابراین جامعه ما در طول سال‌های گذشته بیشتر تحت تاثیر تکنولوژی متحول شده تا مفاهیم دیگر.

■ اظهار نظر درباره شبکه‌های اجتماعی باید با دقت صورت گیرد؛ نباید بدون پژوهش، دسترسی به آنها آزاد شود!

■ این شبکه‌های اجتماعی که فضای مجازی را برای ما به‌وجود آورده، فرهنگ دینی ما را چقدر تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ مثلا می‌بینیم در سال گذشته آمارهای قوه قضائیه این است که شبکه‌های اجتماعی عامل بسیاری از طلاق‌هاست یا اینکه شبکه‌های اجتماعی بر حیازدایی یا کنار گذاشتن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه ایرانی تاثیرگذار بوده است. از سویی افرادی در دولت رفع فیلتر فیسبوک را دنبال می‌کنند؛ آیا در جامعه ایرانی - اسلامی ما این کار به صلاح یا کاری صواب است؟

اینها همه مستلزم یکسری پژوهش‌های دقیق است که با کمال تاسف عرض می‌کنم کمترین تحقیقی در این زمینه انجام نشده و تاثیری که رسانه‌ها در فضای مجازی دارند روی خانواده و جوان‌ها، روی احترام‌های ملی و مذهبی، روی تقدس‌زدایی، بر بی‌بندوباری، بر مکتب لذت‌جویی و...! اینها باید مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد و نباید سریع درباره آزادی استفاده از آن اظهارنظر کرد.

پاسخ به این سوال که میزان تاثیر فضای مجازی و تکنولوژی‌ها چقدر بوده است و در کنارش باورها و ارزش‌ها و بقیه المان‌ها چقدر کمک کرده که اعتقادات سست شدند تحقیقات بسیار مبسوط و پیچیده‌ای می‌طلبد اما من باز هم عرض می‌کنم متاسفانه حداقل تحقیقات هم در این زمینه انجام نشده است و این موضوع خوبی است برای سازمان‌ها و نهادها. ببینید! مثلا خود تکنولوژی‌ها در بحث اقوام مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد. بنابراین حتی در بحث فرهنگ و حتی در بحث خرده‌فرهنگ‌ها این تکنولوژی‌ها یک آموزه‌هایی را داده‌اند که مطمئنا در این تحولات اجتماعی خیلی تاثیرگذار بوده است. اظهارنظر درباره شبکه‌های اجتماعی باید با دقت صورت گیرد؛ نباید بدون پژوهش، دسترسی به آنها آزاد شود! و ما امیدواریم مسؤولان گفتارهای بادقتی در این زمینه داشته باشند و با اقدام هوشیارانه و به‌موقع بتوانیم جلوی بعضی از اینها را گرفته و به کمک آموزش و با مدیریت و تدبیری که داریم آثار سوء آنها را کم کنیم.

■ وضعیت اقتصادی و حمله فرهنگی بیگانه دو عامل مشکلات فرهنگی است

■ روندی که کشورهای غربی در ۱۰۰ سال گذشته انجام داده‌اند و نهاد خانواده را به این وضعیتی که امروز شاهدش هستیم کشانده‌اند، چقدر ممکن است در ایران اتفاق بیفتد و آیا ما داریم به سمت تجردگرایی و از بین بردن بنیان‌های خانواده پیش می‌رویم؟ شما گفتید تکنولوژی اثر داشته، کدام بیشتر تاثیرگذار بوده؛ آیا علتش عدم برنامه مناسب رسانه‌ای ما بوده یا جهت‌گیری مناسب رسانه‌ای نداشته‌ایم؟

هر دو! من فکر می‌کنم هم تاثیر تکنولوژی‌ها و القائات تکنولوژی‌ها از جمله سبک زندگی بوده و هم از این طرف قصورهایی که ما کردیم. مثلا من درباره سبک زندگی می‌گویم؛ مفهومی که در غرب در دهه‌های گذشته بعد از انقلاب صنعتی که در اروپا شد - یعنی بعد از جنگ دوم جهانی از سال ۱۹۴۵ به بعد- کشورهای غربی شروع کردند به اینکه به‌طور کامل تکنولوژی را به‌دست بیاورند و تولید صنعتی و تولید انبوه داشته باشند. به دنبال این قضایا یک سبکی از زندگی صنعتی شدن، شهرنشین شدن، فراموش کردن سنت‌ها و پا گذاشتن روی باورها و مصرف انبوه و مجموعه‌ای از اینها اتفاق افتاد. خب! این در پی فشار تکنولوژی بود. مثلا ما در جامعه‌مان در دهه‌های گذشته طلاق داشتیم یا زندگی مشترک؛ حالت سومی تقریبا متصور نبود یا حالت سوم این بود که بعضی‌ها زندگی خوبی نداشتند ولی زندگی می‌کردند اما ببینید امروز در غرب در خانواده این جزو یک قسمتی از زندگی‌شان هست که طلاق نمی‌گیرند ولی با هم زندگی هم نمی‌کنند و متاسفانه این مساله در جامعه ما هم دارد به‌وجود می‌آید یا دیرازدواجی که متاسفانه غیر آن جنبه‌های فرهنگی‌اش یکی از تبعات افزایش ظرفیت آموزش عالی در یک کشور است. وقتی که همه می‌خواهند لیسانس بگیرند و بعد فوق‌لیسانس و بعد یکسری دکترا خب! حواسشان می‌رود به ادامه تحصیل؛ این خودش موجب می‌شود که دیر ازدواج کنند. یا بحث دیر فرزندآوری یا بی‌فرزندی که ما در ۴ دهه پیش بحث بی‌فرزندی نداشتیم ولی الان معمول شده است یا تک فرزندی. بنابراین این تحولات یکسری ناشی از بحث فشار تکنولوژی است و در کنارش ما هم کم‌کاری کردیم. درعین حال که لذت‌جویی، بی‌توجهی به بنیان خانواده و خیانت در فضای مجازی تشویق می‌شود و در فیلم‌های ماهواره‌ای هست اما متاسفانه در درون هم ما قصور داریم مثلا وضعیت اقتصادی طوری می‌شود که جوان نمی‌تواند ازدواج کند یا برای ۲ میلیون وام خیلی باید سختی‌بکشد.

شما مطمئن باشید اعتقاد نداریم که اقتصاد اصل است ولی متاسفانه در سال‌های گذشته به این رسیده‌ایم که اقتصاد در کنار اعتقادها و باورها اگرچه اصل نیست ولی چیزی کمتر از اصل هم نیست. وقتی شغل و خانه نباشد خب! ازدواج صورت نمی‌گیرد؛ پس همه عوامل خارجی شامل تکنولوژی و همچنین محتوای منفی فضای مجازی وجود دارد ولی در کنارش توجه به نسل جوان، ایجاد شغل، ایجاد زمینه‌های مناسب برای زندگی و... اینها همه با شکست روبه‌رو شده است. این گناه داخلی را نباید بگذاریم گردن فضای مجازی. یک تحقیق دانشگاهی درباره دختران فراری بود. سوالات مثلا این بود که ارتباطی وجود دارد میان سبک زندگی و تاثیر ماهواره و... ولی نتایج نشان داد اکثر دختران فراری وضعیت اقتصادی خوبی ندارند. اینها هم تاثیرگذار است اما باز تاکید می‌کنم این بدان معنا نیست که محتویات فضای مجازی و فیلم‌های ماهواره‌ای موثر نبوده است آنها هم بوده است ولی نسبتش مهم است.

عکس: ابراهیم حیدری/وطن‌امروز

■ صحبت‌های سریع‌القلم‌ها درباره زبان بیشتر باعث تخریب هویت ملی می‌شود!

■ رهبری طی سخنرانی عید یک صحبت مبسوطی درباره حوزه فرهنگ داشتند و به چند مورد اشاره کردند اینکه اخیرا نسبت به هویت ملی ما و زبان فارسی هجمه وارد می‌شود؛ برای جلوگیری از این هجوم چه باید کرد؟

ما یک سندی داریم به اسم سند چشم‌انداز که به تایید مقام معظم رهبری رسیده و امضا شده است؛ این سند شروعش ۱۳۸۴ بوده و ۲۰ سالش می‌شود ۱۴۰۴. ما در سال نهم هستیم یعنی در میانه راه و یکی، دو سال دیگر در سرازیری قرار می‌گیریم. در این سند اصول کلی‌اش مؤید این حرف‌هاست یعنی ایران باید در حوزه فرهنگ و اجتماع، تکنولوژی و اقتصاد و فناوری و حتی ریزتر در وضعیت خانواده و جوانان و نخبگان به اهداف تعیین شده برسد که همه ترسیم شده است و اجرای اینها موکول شده به برنامه‌های ۵ ساله‌ای که در دولت‌ها تدوین می‌شود یعنی دولت‌ها با اجرای برنامه‌های ۵ساله که در این دولت یازدهم می‌شود برنامه پنجم و ششم باید به آن اهداف سند با طی کردن این مراحل برسند که خیلی سخت است یعنی یک مدیریت بسیار شدید می‌خواهد و حتی من این را خدمت‌تان بگویم که نظارت شدیدتر می‌خواهد و در دولت‌های قبلی اینها احساس نشد و آمار دولت‌های قبلی گویای این نیست که ما به آن اهداف سند چشم‌انداز و برنامه چهارم و پنجم رسیده باشیم. این موضوع دلایل مختلفی دارد که یکی از آنها نظارت است. من به‌عنوان یک استاد دانشگاه الان نمی‌دانم نظارتی که باید انجام شود بر حسن انجام این اسناد و نظارت بر رسیدن به شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی آنها کجاست؟ و باید مشخص شود چقدر به وضع مطلوب رسیده‌ایم. در این مسیر باید شاخصه‌های فرهنگی و هویتی‌مان را که ایران اسلامی‌مان را می‌سازد، جدی‌تر بگیریم. مثلا همین اصالت خانواده یا معماری و شهرسازی اسلامی یا حتی زبان که خیلی در تاریخ و فرهنگ و تمدن مهم است.

■ آقای دکتر اخیرا برخی از همین اساتید دانشگاهی زبان ملی را تحقیر می‌کنند و می‌گویند در دنیای امروز انگلیسی اصل است و از این دست حرف‌ها؛ با اینها چه باید کرد؟

این خیلی بد است که یک استاد دانشگاه به فرهنگ ملی ایران حمله کند و زبان فارسی را هدف قرار دهد. فرقی نمی‌کند استاد دانشگاه یا هر کس دیگری، این کار غلط است. این افراد هم اگر حرفی دارند بیایند در جمع‌های بزرگ این حرف‌ها را در فضای مفاهمه بزنند و جوابشان را بشنوند؛ البته نه مباحثه‌هایی مثل آنچه در دانشگاه امیرکبیر از سوی آن طیف و طرفدارانشان رخ داد؛ با مفاهمه می‌شود این را حل کرد وقتی آن طیف بیاید حرف‌هایش را بزند مردم و جوانان می‌فهمند که اینها نه تنها راه چاره نیست بلکه بیشتر آسیب می‌زند به فرهنگ ملی - اسلامی ما! صحبت‌هایی از این دست که من هم اتفاقا شنیده‌ام درباره زبان بیشتر باعث تخریب هویت ملی می‌شود!

■ مشکلات فرهنگی امروز معلول سیاست‌های توسعه برون‌زای دولت کارگزاران است

■ روند پیشرفت با توجه به اینکه گفتید انقلاب اسلامی یک تحولی را به وجود آورد و اینکه انقلاب اسلامی مدل متفاوتی نسبت به انقلاب‌های دیگر بوده است به‌طور مثال انقلاب روسیه، الجزایر و فرانسه؛ آیا روند پیشرفتی که در انقلاب اسلامی باید شکل بگیرد روندی هست که در کشورهای غربی باید اتفاق بیفتد یا پیشرفتی که در اینجا اتفاق می‌افتد متفاوت است. مثلا الگوی پیشرفت درون‌زا باید اتفاق بیفتد یا پیشرفتی که کره‌جنوبی و ژاپن با وابستگی به غرب دارند انجام می‌دهند؟

واقعیت این است که ما اگر به سوی صنعتی شدن برویم که رفته‌ایم؛ این یک الزامات و یک پیامدهایی را برای ما به‌وجود می‌آورد که ما در همان چارچوبی حرکت می‌کنیم که کشورهای غربی برای ما به‌وجود می‌آورند. متاسفانه گریزی نیست اگر بخواهیم از راه صنعتی شدن به توسعه برسیم و در دهه‌های گذشته بویژه سال‌های بعد جنگ در مسائل توسعه همین مسیر را رفته‌ایم و همان روشی که کره‌جنوبی داشت را اتخاذ کرده‌ایم. صنایع مونتاژ، کارخانه فولاد، تولید ماشین، افزایش لوازم خانگی، تغییر الگوی مصرف و... اینها ناشی از اخذ و گزینش توسعه‌ای بوده که الگوی برون‌زا داشته است و متاسفانه تبعات بدی برای ما در پی داشت. تحولات اجتماعی که امروز به دلیل نفوذ رسانه‌ها به‌وجود آمده را ببینید! دیگر تفاوتی بین روستا و شهر در نوع لباس و خوراکشان نمی‌بینید اما قبلا اینطور نبود. در فرآیند توسعه برون‌زا ما اگر یک الگویی را بگیریم باید به جنبه‌های فرهنگی و جنبه‌های اجتماعی‌اش بیشتر توجه کنیم. متاسفانه در این کار غفلت شد و تبعاتش هنوز هست الان آن وضعیتی که در بحث خانواده می‌بینیم مثل بالا رفتن سن ازدواج، کم شدن تعداد اعضای خانواده، تک فرزندی، بی‌فرزندی و آن چیزی که ما می‌گوییم بیماری‌های ناشی از تمدن، مسائل روحی و روانی و گسترش شهرنشینی؛ اینها تبعات آن الگویی است که در آن سال‌ها اتخاذ شد. مشکلات فرهنگی امروز معلول سیاست‌های توسعه برون‌زای دولت کارگزاران است اما یک سوال اینجا مطرح است که واقعا بدون صنعتی شدن می‌شود به توسعه رسید؟ یعنی ما نیاز به کارخانه‌های سیمان و تولید فولاد یا اتومبیل‌سازی نداریم؟ این خیلی سوال بزرگی است و در نهایت در برنامه‌های توسعه که ۵ ساله بوده چه الگوهایی را گرفتیم؟ آنچه مشخص است روی جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی غفلت‌هایی شده است مثل اینکه یک عطش سیری‌ناپذیری وجود داشته که ما به شاخص‌های کمی توسعه برسیم و متأسفانه شاخص‌های کیفی را فراموش کردیم.

■ من معتقدم توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی اگر انجام نشود توسعه اقتصادی محکوم به شکست است

■ این تغییرات اجتماعی که شما گفتید و مسیری که منجر به صنعتی شدن خواهد شد؛ آیا لزوما با مدلی که غربی‌ها پیشنهاد می‌کردند حاصل می‌شود یا اینکه ما می‌توانستیم مدل دیگری را انتخاب کنیم یا اگر بعد جنگ به جای آن مدلی که گفتید پیاده شد، مدل دیگری پیاده می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

مدل نوگرایی که آمریکایی‌ها بعد از جنگ دوم جهانی و بعد از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به دنیا اشاعه دادند و تبلیغ کردند این بود که زندگی مرفه و امروزی تنها راهش از طریق صنعتی شدن است و به تفسیر دیگر راه دیگری برای رفاه وجود ندارد. آن هم صنعتی که پایه‌هایش وابستگی به‌وجود می‌آورد. من فکر می‌کنم در اتخاذ الگوهای برون‌زا ما باید نگاهمان درون‌زا می‌بود. کشورهایی در جهان هستند که ضمن حفظ استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به طور نسبی در اخذ تکنولوژی‌های غربی و صنعتی شدن هم موفق بوده‌اند، هرچند به آنها هم ایراداتی وارد است اما آن مقداری که این الگوها را در دوران سازندگی گرفتیم من فکر می‌کنم به عناصر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کمتر توجه شد در حالی که این حوزه‌ها هم به همان مقدار اهمیت دارد و اگر اینها همه‌جانبه نباشد اتفاقا فسادزا می‌شود و جلوی پیشرفت را می‌گیرد. من معتقدم توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی اگر انجام نشود، توسعه اقتصادی محکوم به شکست است و رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی باهم فرق دارد. توسعه اقتصادی در دل رشد اقتصادی به‌وجود می‌آید ولی اگر همزمان توسعه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی باشد، توسعه اقتصادی درست می‌شود. اینها متاسفانه مفاهیمی است که مغفول بوده است. دولت‌های گذشته - بعد جنگ - سعی کرده‌اند در یکی از این حوزه‌ها وارد شوند به ترتیب توسعه اقتصادی بوده، بعد توسعه سیاسی و اجتماعی و به نحوی دوباره توسعه اقتصادی و کمک به تهیدستان بوده است. حرکت طبقات پایین به سمت طبقه متوسط شدن و عدم توجه به زندگی متوسط شهری و فرهنگ و ظرفیت شهرنشینی نشان می‌دهد همواره ما به مسائل اجتماعی تک‌بعدی نگاه کردیم حال آنکه به عقیده من بال‌های توسعه و پیشرفت باید در کنار هم باشند.

■ دولت یازدهم کدام مدل توسعه را دارد پیاده می‌کند؟

این بازمی‌گردد به برنامه توسعه پنجم و ششم.

■ تفکر حاضر به کدامیک از دولت‌های قبلی نزدیک است؟

گرایش دولت یازدهم به دولت‌های هاشمی است اما من فکر می‌کنم ضمن پرداختن به جنبه‌های اقتصادی توسعه، در برنامه‌ها و اهداف این دولت توسعه سیاسی و فرهنگی هم وجود دارد یعنی سیاستگذاری‌ها و گرایش‌های رفتاری دولت اینگونه نشان می‌دهد ولی خب! من با توجه به واقعیات جامعه و تحولاتی که درباره‌اش صحبت کردیم خیلی نسبت به این قضیه محتاط هستم و مطمئن نیستم بتواند جواب بدهد بویژه اگر تمهیدات و تدابیر لازم را در این زمینه نداشته باشیم.

■ به دلیل عدم دقت در افکارسنجی و استفاده از گزاره‌های نامناسب از سوی دولتمردان؛ ممکن است دوباره فاصله بین دولت و مردم همچون دولت‌های سازندگی و اصلاحات تشدید شود

■ این دولت هم به تعبیر جامعه‌شناسان امتداد همان دولت بعد از جنگ با همان تفکرات توسعه‌طلبی است؛ به نظر شما با توجه به اتفاقات رخ داده در بیش از یک سال سپری شده از دولت، افکار عمومی نسبت به دولت حاضر چه نگرشی پیدا کرده است؟ با توجه به اتفاقاتی که در این مدت رخ داده؛ مثل موضوع سبد کالا و توافقنامه ژنو و خوداظهاری یارانه‌ها و امثال اینها.

بحث افکار عمومی فی‌نفسه خودش خیلی پیچیده است اما اگر ما بتوانیم در واقع در یک رابطه علّی که شکل‌گیری افکارعمومی را تشدید یا جهت‌دهی می‌کند بررسی کنیم؛ می‌طلبد دوباره یکسری تحقیق انجام دهیم، آن هم با توجه به اینکه دولت و آقای روحانی در انتخابات انتظارات را از خود بالا برده است. از سویی هم در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست بین‌الملل، به‌خاطر عملکرد دولت نهم و دهم تا حد زیادی انتظارات از دولت یازدهم بیشتر شده و این مسؤولیت دولت یازدهم را خیلی بیشتر می‌کند. مردم با رأیی که در ۲۴ خرداد دادند انتظاراتشان خیلی زیاد است و دوست دارند در یک دوره قابل قبولی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوب شود. مثلا از موضوعاتی که شاید دولتمردان باید بیشتر به آن دقت کنند، وعده‌هایی است که می‌دهند، زیرا مردم حساسیت‌شان به وعده‌ها خیلی بالاست.

نکته جالبی که باید بگوییم این است که ما عنصر مقایسه در بحث شناختی را در روبه‌روی‌مان داریم و مردم مدام مقایسه می‌کنند. تابه‌حال در این مقایسه برای بعضی‌ها نتایج مطابق انتظارشان حاصل نشده است و بنابراین دولت در عین کار سازندگی و اصلاح امور در بیان حقایق و در بیان مشکلات و یافتن راه‌حل از طریق خود مردم بسیار باید سرمایه بگذارد. در بحث یارانه‌ها که فرمودید احتمالا اشتباهاتی انجام شده که همان اشتباهاتی بوده که در دولت قبل انجام شده است. ببینید! بحث تبلیغ با اطلاع‌رسانی فرق دارد. تبلیغات و روابط عمومی رویکردهای متفاوتی دارند. به نظر من خیلی از اینها خلط مبحث شده؛ در عین حال خب! جنبه‌های امیدبخش و مثبت هم هست اما واقعیت این است که باید افکارسنجی شود که مردم نظر واقعی‌شان را بتوانند بگویند؛ اگر دولت به‌طور مشخص به افکار عمومی نزدیک باشد و بازخوردهایی از افکار عمومی داشته باشد به عقیده من چراغ خوبی است برای حرکت دولت.

■ اما دولت که رویکرد نخبه‌گرایی دارد؛ نفس ارتباط برقرار کردن با مردم برایش سخت است! این نزدیک شدن به مردم برایش چالش ایجاد نمی‌کند؟

این بحث خیلی پیچیده است. ببینید! منظورمان از نخبه کی هست؟ آیا حاکمیت و جریان‌هایی که قدرت در حوزه‌های اقتصادی در دستشان است، واقعا نخبه هستند؟! منظورمان از نخبه کیست؟

■ منظور از نخبه یعنی کسانی که صاحب قدرت سیاسی هستند...

بله! این ممکن است در یک حدی بشود که مثل دولت‌های سازندگی یا اصلاحات بین دولت با مردم فاصله‌ای بیفتد. در اظهارنظرهایی که دولتمردان در چند وقت اخیر داشته‌اند متاسفانه بعضی مسائلی که عنوان کردید قابل رصد است. یعنی بیان بعضی جملات و گزاره‌ها و توصیف‌هایی که شاید با واقعیت جامعه خیلی نزدیک نباشد و اینها یکسری بحث‌هایی است که من نمی‌خواهم بگویم روشنفکران ولی نخبگان دوست دارند که البته با واقعیت جامعه سازگار نیست. مثلا شما اگر اظهارنظری مثل این را بشنوید: «آنهایی که یارانه می‌خواهند، بروند ببینند در بیمارستان‌ها چه خبر است؟» شاید گزاره و جمله مناسبی نباشد؛ هم برای وضعیت یارانه‌ها و کسانی که یارانه می‌گیرند و هم توده مردم که از دولت انتظار خدمات بهداشتی و درمانی دارند. این یک واقعیت است که مسؤولان در بیان اظهاراتشان در رابطه با جهت‌گیری افکار عمومی باید نهایت دقت را داشته باشند و همچنین رجوع به نخبگان.

■ نکته دیگری که در افکارعمومی هست؛ نگاه افکارعمومی به حوزه بین‌الملل است! اتفاقاتی که در یک سال گذشته افتاده و توافقنامه ژنو و آن رفتاری که غربی‌ها نسبت به ایران داشته‌اند؛ بویژه بعد از توافقنامه! تحقیرها و توهین‌هایی که از سران آمریکا بروز کرده؛ آیا به نظر شما افکار عمومی نسبت به ارتباط با غرب بدبین‌تر نسبت به قبل شده است؟

بحث بسیار جالبی است. ببینید! ما در این سی و چند سال و بویژه در این سال‌های اخیر از نظر استقلال سیاسی و روابطی که با کشورهای منطقه داشته‌ایم، روابطی که در خاورمیانه داشته‌ایم، پیروزی‌هایی که در سطح لبنان و سوریه به‌دست آورده‌ایم و جایگاهی که در خلیج‌فارس کسب کرده‌ایم و تحولاتی که در ماه‌های گذشته اتفاق افتاده همه اینها گویای این است که جمهوری اسلامی با نقشه پیش رفته است و در حوزه‌های مختلف موفقیت‌هایی به‌دست آوردیم، مثلا حضور ایران در لبنان - هرچند غربی‌ها تلاششان آن است که هزینه این فعالیت را برای ایران بالا ببرند- من فکر می‌کنم موفق بوده است. مثل همین موضوع برای انرژی هسته‌ای هم هست؛ هیچ ایرانی پاک نهادی شک ندارد که موفقیت‌های ما در غنی‌سازی و کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای مؤید استقلال و توان علمی ما بوده است ولی غرب و رسانه‌های غربی و سلطه بین‌الملل در ازای این موفقیت‌های ما یکسری تحمیل‌ها به ما کردند که متاسفانه در بعضی از حوزه‌ها اثرساز شده است مثلا در بحث دارو؛ بنابراین می‌طلبد تفسیرهایی که مسؤولان دارند به صورت مصداقی و عملیاتی برای مردم توضیح داده شود. از سوی دیگر تنگناهایی که غرب بر اثر تحریم جمهوری اسلامی حاصل کرده باید توسط مسؤولان مرتفع شود.

■ برای افکار عمومی بگویند اقساطی که قرار است به‌دست ما برسد، رسیده یا خیر؟ اگر از طرف غرب صداقتی وجود ندارد باید برای مردم توضیح داده شود.

افکار عمومی بیش از همه به روشنگری و شفاف‌سازی نیاز دارد. بنابراین اگر اینجور باشد مردم متوجه می‌شوند این فشارها دلیلش چه بوده و از ناحیه که بوده؟ مثلا برای مردم باید توضیح داده شود که تحریم قطعات هواپیما برداشته شده یا خیر؟ برای افکارعمومی بگویند اقساطی که قرار است به‌دست ما برسد، رسیده یا خیر؟ اگر از طرف غرب صداقتی وجود ندارد باید برای مردم توضیح داده شود و اگر هم وجود داشته باشد این حقانیت ما است که غرب سیاستی را پیش گرفته که مجبور است تن به خواسته‌های ما دهد. اینها متاسفانه من فکر می‌کنم به اندازه کافی برای مردم توضیح داده نشده است. یعنی جهت‌دهی افکارعمومی رها شده به دست مردم و خیلی شناختی به جزئیات ندارند و نمی‌توانند در این مورد بدون اطلاعات از افکار عمومی به نتیجه برسند.